

فرودگاه قلعه مرغی - ۱۴

درجست وجوی قتل خواهر

محمد بلوری / اشاره:برخورد دسته‌ای از کبوتران بایک هواپیمای نظامی در تهران منجر به سقوط این هواپیما شد که چند سرنشین کشته شدند. با آغاز کبوترکشی، دادگاه‌های نظامی محاکمه کفتر بازها را آغاز کردند و در حاشیه فرودگاه قلعه مرغی اولین فرودگاه تهران، کفترکشی به استوار نایب معاون پاسگاه ژاندارمری محل سپرده شد.

چادر سیاه و سنگین شب، روی آبادی خیمه زده بود. بادی نمی وزید، برگي نمی جنید، هوا دم کرده و نفس گیر شده بود. آسمان پرستاره، مثل یک صفحه فولادی رنگی بنفش داشت. یک مرغ شب، در میان انبوه تیره درختان آواز غمناک سر داده بود و مدام تکرار می کرد. حق... حق... در یکی از کوچه‌های محله غربتی ها یک سگ، روی خریشته خانه‌ای به گردن درازش کش می داد و چشمان فروزانش را به تاریکی های کوچه تیز می کرد با پوزه سیاه و مرطوبش بوی آشنایی را حس می کرد. چانه اش را روی پنجه پاهایش خواباند و با حالتی توسری خورده، شروع به نالیدن کرد. کم کم سایه یک جوان بلندقد در تاریکی ها پیدا شد. سگ شوق زده به وسط کوچه جست زد و به طرفش دوید. جوان خم شد و در حال نوازش سرشمالوی حیوان گفت: _ دلت برام تنگ شده بود آره؟ و با هم به طرف درخانه دویدند. کوچه سوت و کور بود. جوان نگاهی به دوسوی کوچه انداخت و کلیدی را در قفل در چرخاند. حیاط خانه برایش فضایی غریبه با خاطراتی دور به نظر می آمد. نگاهی به پنجره اتاق خواهرش کرد و پا روی ایوان گذاشت. مادرش با پیراهن و لچک سیاه وسط اتاق نشسته بود و قاب عکس اقدس میان زانوهایش بود. مویه کنان سرش را سوگوارانه می جنباند و نگاه اشک آلودش را بر نمی داشت. توی قاب عکس، اقدس با پیرهن قرمز گلدارش به او می خندید و چشمانش از بی خیالی می درخشید. مادر پشت به در اتاق داشت و پسرش را نمی دید. جوان سایه وار از کنارش گذشت. رفت کنج اتاق چندنگ زد و دو ساق پاها را تنگ در بغل گرفت. مادر سربلند کرد و چشم های سرخ اشک آلودش با دیدن او غمگینانه شعله کشید کف دست ها را به زانوهایش کوید و آنگاه دردمندان رو به سقف اتاق نالید: - وای... وای... جز جیگر برنی حیدر، چطور دلت اومد کارد توبسینه دختر کلم فروکتی!

و مشت کوبان به روی زانو ها، سرش را به روی شانه ها به نوسان در آور د و نالید: وای... وای... دلم داره آتیش می گیره پسر! و تن اش را به نوسان در آور د.

پسر بهت زده و سرگشته یی آن که به مادرش نگاه کند گفت: اینقدر بی تابی نکن مادر. کافه بود و با یادآوری قتل خواهرش، در خود می پیچید. با بی قراری بلند شد و به پای پنجره رفت. در حالی که از خشم دندان ها را روی هم می فشرد روبه حیاط ایستاد و پرسید: - کسی سراغ منو نگر فت؟

مادر گوشه چارقدش را روی چشم های اشک آلودش کشید و جواب داد:

- امنیه ها دارن دنبال اون نامرد می گردن.

حیدر یک دسته از کاکل فرور ریخته اش به روی پیشانی را پس زد و گفت:

- من دارم میرم عزیز. مادر سر بر گرداند، با چشم هایی سرشار از حسرت و غم تماشا شین کرد. در نگاه تسکین یافته اش دیگر از خشم و کینه نشانی نبود. لب های ورم کرده اش به لرز افتاد با نگاهی به حسرت به پسرش گفت: - تو هم تنهام میزاری پسر م؟ حیدر گفت: باید برم عزیز. برات پول می فرستم که دست تنگ نمونی. از اتاق که بیرون می رفت صدای مادرش را شنید.

- تو هم تنهام میذاری پسر م؟ حیدر با تلخی جوابش داد: به سفر قندهار که نمی رم عزیز. چند ماه دیگه می آم. - به دختر خاله ات چه بگم؟ حیدر شانه هایش را بالا کشید و گفت: نمی دونم.

دست ها را به دوسوی چارچوب در اتاق فشرد و ادامه داد: - از صاحب کارم پنجاه تومن طلبکارم بگیر خرجش کن، من ر فتم.

مادر با دستمالی که توی مشت اش می فشرد دماغش را گرفت و با صدایی گرفته در گلو پرسید: گشنه ات نیست تنه؟ حیدر جوابش را نداد و از یله های ایوان پایین رفت. حیاط پر از آواز زنجره ها بود. مادر با احساس فاجعه ای تکان خورد و برده های سرخ دماغش به لرز افتاد و سراسیمه باشد و با انوهای ناشده خودش را به ایوان کشاند و پسرش را صدا زد:

- حیدر...! او رفته بود.

شهادت مامور پلیس به دست سارق مسلح



گروه حوادث / سارق مسلح وقتی مأموران پلیس را مقابل خود دید، با شلیک گلوله یکی از مأموران را به شهادت رساند. سرهنگ حسین زلفی، فرمانده انتظامی آبادان در این باره گفت: ساعت ۱۷ و ۵۰ دقیقه سه شنبه مأموران کلانتری ۱۱ آبادان هنگام گشت به یک دستگاه خودروی پژو مشکوک شدند و برای بررسی بیشتر با رعایت حقوق شهروندی دستور ایست صادر کردند.

وی با بیان اینکه خودرو بدون توجه به ایست پلیس متواری و پس از تعقیب و گریز و درگیری مسلحانه سارق پلیس متوقف شد. گفت: شرور مسلح بعد از گریه شدن از خودرو به صورت مستقیم با اسلحه کلاشنیکف به سمت مأموران گشت کلانتری اقدام به تیراندازی کرد که سروان «مهدی آزمون» بر اثر اصابت گلوله و شدت جراحت وارده پس از انتقال به بیمارستان به درجه رفیع شهادت نائل آمد. سرهنگ زلفی با بیان اینکه ضارب از سارقان مسلح تحت تعقیب است، افزود: از سارق مسلح یک دستگاه خودروی پژو و سه تیغه خشاب پُر قشنگ کشف شد. فرمانده انتظامی آبادان با اشاره به متواری شدن متهم گفت: با توجه به شناسایی متهم، دستگیری وی به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار دارد.

کلاهبرداری با فروش خودروهای تصادفی

گروه حوادث / اعضای یک باند که با تبلیغ فروش خودروهای مدل بالا در سایت های اینترنتی خودروهای تصادفی را به مشتریان می فروختند دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، تیر امسال کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران با ۵ پرونده مشابه روبه رو شدند که شاکیان اظهار داشتند، قصد خرید خودروی کارکرده مدل بالا داشتند و با متهمان در سایت های اینترنتی آشنا شده اند، ولی پس از معامله متوجه شده اند که خودروها تصادفی بوده و کلاهبران خودروی تصادفی را به قیمت خودروی سالم به آنان فروخته اند. سرهنگ کارآگاه «کیانوش ناصری» رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ در تشریح این پرونده بیان داشت: در بررسی های اولیه کارآگاهان مطلع شدند، فردی سابقه دار با همدستی ۳ نفر از همدستانش ضمن درج آگهی فروش خودروهای مدل بالا در سایت اینترنتی، با خریداران در میدان مرکزی میوه و تره بار تهران برای بازدید خودرو قرار گذاشته و با معرفی خود به عنوان غرفه دار میدان میوه و تره بار تهران، اعتماد خریداران را جلب و در همین لحظه سایر همدستان متهم به عنوان خریدار جدید و کارشناس وارد معامله می شدند و با انجام مانورهای متقلبانه، مال باخنگان را به خرید خودرو ترغیب کرده و بلافاصله بدون تنظیم مبایعه نامه در دفترخانه حاضر و خودرو را به خریداران انتقال می دادند. پس از هماهنگی های قضایی سرانجام سرکرده این باند در مخفیگاهش در تهران پارس دستگیر شد. متهم به ۵ فقره کلاهبرداری با همکاری ۳ همدستش اعتراف کرد و سایر اعضای این باند نیز در عملیات جداگانه دستگیر شدند و به جرائم خود اعتراف کردند. این مقام انتظامی در پایان با بیان اینکه کارشناسان ارزش ریالی اموال کلاهبرداری شده را ۱۵ میلیارد ریال اعلام کرده اند، اضافه کرد: با تکمیل تحقیقات پلیسی، هر ۴ متهم با صدور قرار مجرمیت روانه زندان شدند.



تیراندازی پلیس به مترهم سهوی بود

گروه حوادث / همزمان با مرگ یک شرور سابقه دار با شلیک پلیس در مهرشهر کرج فرمانده انتظامی البرز این اقدام را سهوی دانست.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دو روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن مردی جوان در حالی که نیمه برهنه است در یکی از خیابان های مهرشهر کرج در حال عریده کشی بوده و برای خودروهای عبوری و عابران پیاده مزاحمت ایجاد می کند. اما وقتی مأموران پلیس برای دستگیری وی وارد عمل می شوند بر اثر شلیک گلوله یکی از مأموران پلیس متهم کشته شد.

در حالی که انتشار این فیلم در فضای مجازی واکنش های زیادی از سوی کاربران به دنبال داشت صبح دیروز سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی البرز درباره این حادثه توضیحاتی ارائه داد. وی درباره کلیپ منتشر شده از شلیک مأمور انتظامی به سمت یک متهم در منطقه مهرشهر کرج گفت: ساعت ۲۰:۴۰ دقیقه ۱۳ شهریور خبری مبنی بر عریده کشی و

قدرت نمایی با سلاح سرد توسط شخصی در منطقه مهرشهر کرج به مرکز فوریت های پلیسی استان اعلام و بلافاصله مأموران کلانتری ۲۲ مهرشهر برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند.

مأموران با حضور در محل حادثه متوجه شدند که شخصی با حالت غیر عادی به وسیله سلاح سرد اقدام به قدرت نمایی در معابر شهری کرده و علاوه بر اخلاخ و بر هم زدن نظم عمومی، اقدام به وارد آوردن آسیب به چهار نفر از جمله یک خانم و اموال مردم از جمله چند خودرو و یک سوپرمارکت کرده است.

بازسازی صحنه سرقت از طلافروشی کرج



گروه حوادث / سارقان مسلح که روز روشن به یک طلافروشی در کرج دستبرد زده بودند به بازسازی صحنه جرم پرداختند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ و ده دقیقه صبح دیروز خودروهای پلیس مقابل یک طلافروشی در خیابان شهید بهشتی کرج توقف کرده و ده ها مأمور پلیس به همراه سه مرد جوان که لباس متهم بر تن داشتند مقابل چشمان متعجب رهگذران از خودروها پیاده شدند. قرار بود سه متهم صحنه سرقت مسلحانه خود از طلافروشی را بازسازی کنند. قبل از شروع بازسازی صحنه، سردار عباسعلی محمدیان فرمانده نیروی انتظامی البرز ضمن هشدار به مجرمان و برهم زندگان نظم و امنیت عمومی گفت: پلیس با کسانی که بخواهند آسایش شهروندان را مختل کنند، بدون هیچ اغماضی برخورد خواهد کرد و از تمام ظرفیت خود برای این اقدام استفاده خواهیم کرد.

وی در ادامه گفت: حدود ساعت یک ظهر ۲۴مرداد امسال پلیس در جریان سرقت مسلحانه از یک طلافروشی قرار گرفت. در تحقیقات اولیه پلیس با کنترل دوربین های مدار بسته دریافت سارقان مسلح با یک خودرو سمنند بادمجانی رنگ اقدام به سرقت کردند، در حین فرار گشت پلیس راهور آنها را تعقیب کرده که سمنند را رها کرده و پرابرد سفید رنگی را سرقت کردند بعد از آن بلافاصله بعد از یک کیلومتر پرابرد را رها کرده و سمنند دیگری را سرقت کرده و به سمت

تهیه های حصار در شهرستان کرج متواری شدند.

با اقدامات شبانه روزی پلیس با اقدامات شایعه روزی پلیس آگاهی با توجه به اینکه به خاطر پوشش صورت متهمان هیچ سرنخی از آنها در دست نبود اما سرانجام متهمان شناسایی و دو نفر از آنها در استان لرستان دستگیر شدند.

سرهنگ نادر بیگی رئیس پلیس آگاهی استان البرز نیز درباره سوابق کیفری این متهمان به خبرنگار «ایران» گفت: سارقان در بازجویی های انجام شده به سرقت مسلحانه در شهرستان های شهریار، پاکدشت، ورامین و شهرستان تفرش استان مرکزی اعتراف کردند. یکی از متهمان این پرونده، سارق حرفه ای و

سابقه داری است که به حبس محکوم شده بود اما با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده بود.

■ اظهارات مرد طلافروش

صاحب طلافروشی که مرد میانسال ی بود درباره روز حادثه گفت: من و دخترم در طلافروشی بودیم که ناگهان سه مرد با اسلحه وارد مغازه شدند و شروع به شگستن شیشه و پتیرین کردند و در عرض یک دقیقه ۲۰ ثانیه طلاها را سرقت کردند. یکی از آنها با چاقوی تیز ضربه ای به بازوی من زد و فرار کردند. وقتی به من خبر دادند که این متهمان دستگیر شده اند، بنشد شوکه شدم چون فکر نمی کردم بتوانند آنها را شناسایی و دستگیر کنند اما از نیروی انتظامی برای دستگیری آنها قرداندنی می کنم.

پدر و مادر از خون پسرشان گذشتند

گروه حوادث / مرد جوانی که متهم است با ضربه چاقو برادرش را به قتل رسانده صبح روز گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران در حالی محاکمه شد که اولیای دم اعلام گذشت کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از مهر سال ۹۸ به دنبال وقوع درگیری خونین در یکی از قهوه خانه های کهریزک آغاز شد. پس از حضور مأموران و تحقیقات اولیه مشخص شد صاحب قهوه خانه به نام شاهرخ توسط برادر کوچکش شهرام زخمی و به بیمارستان منتقل شده است و در ادامه شهرام بازداشت شد. ساعاتی بعد شاهرخ در بیمارستان فوت کرد.

پس از آن شهرام ۳۵ ساله مورد بازجویی قرار گرفت و مدعی شد قصدی برای قتل نداشته است. با این حال صحنه جرم بازسازی و پرونده وی با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول از پسرشان اعلام گذشت کردند. سپس متهم در حالی که بشدت متأثر بود گفت: من فقط برادرم را از دست نداده ام بلکه بهترین رفیقم کشته شد و از این موضوع بشدت ناراحت هستم. با اینکه پدر و مادرم من را بخشیده اند اما آنقدر عذاب وجدان دارم که برای خودم آرزوی مرگ می کنم.

وی در تشریح انگیزه قتل گفت: برادرم سال ها قهوه خانه داشت و من هم به قهوه خانه او رفتم و آمد داشتم. دو روز قبل از این ماجرا به قهوه خانه او رفتم اما به دوستان او که در گوشه ای نشسته بودند سلام نکردم. عصر همان روز وقتی شاهرخ به خانه برگشت از من گله کرد. آن روز سر این موضوع با هم بحث کردم و دقایقی بعد بحث پایان یافت. تا اینکه روز حادثه دوباره برادرم این بحث را شروع کرد و گفت که با این کار ما را پیش دوستانش خراب کرده ام. سر همین موضوع با هم درگیر شدیم و به یکبار چاقو کشید و به سمنتم حمله ور شد. من هم چاقو رو از دشتش گرفتم و یک ضربه به او زدم. من برای دفاع از خودم این کار را انجام دادم. من ۳ فرزند دارم اما با این اتفاق شوم زندگی ام از هم باشید دیگر نمی توانم به چشمان پدر و مادر و سه فرزندم نگاه کنم.

با پایان دفاعیات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

مرگ سارق پس از سرقت گوشی آیفون

گروه حوادث- مرجان همایونی / سارق خشن که به همراه ۵ همدستش اقدام به سرقت یک دستگاه گوشی تلفن همراه آیفون کرده بود، هنگام فرار در یک حادثه جان باخت.

به گزارش «ایران»، ساعت ۹ شب سه شنبه ۱۶ شهریور مأموران کلانتری ۱۰۴ عباس آباد در جریان تیراندازی، زیر پل سیدخندان قرار گرفتند. همزمان با اعلام خبر تیراندازی، گزارش مرگ مرد موتورسواری در خیابانی نزدیک محل تیراندازی نیز به آنها گزارش شد.

با اطلاع از این خبر، موضوع بلافاصله به بازپرس مصطفی واحدی اعلام و مأموران برای بررسی ماجرا راهی محل شدند.

با حضور در محل تیراندازی، مأموران دریافتند که عامل تیراندازی مرد جوانی به نام سهیل است که در محل تصادف حضور دارد.

در بررسی های اولیه مشخص شد تیرانداز ۴۰ ساله مجوز حمل سلاح دارد. مرد جوان در رابطه با علت و انگیزه تیراندازی گفت: من بواسطه شغل مجوز حمل سلاح دارم. لحظاتی قبل از تیراندازی در حال رفتن به خانه ام بودم که ۶ مرد سوار بر سه موتورسیکلت به من نزدیک شدند. من در حال صحبت با تلفن همراهم که آیفون ۱۲ است بودم و وقتی مردان موتور سوار به من نزدیک شدند متوجه شدم که قصد سرقت گوشی مرا دارند. یکی از آنها از موتور پیاده شد و

به سمت من آمد و چاقوی بزرگی را روی گردن من گذاشت و گوشی تلفن همراهم را خواست. برای حفظ جانم، گوشی تلفن همراهم را به وی دادم.

مالباخته گفت: گوشی را که به سارق دادم او به سمت موتورسیکلت رفت. از آنجا که اطلاعات مهمی در گوشی ام داشتم بلافاصله اسلحهم را بیرون آوردم و به سمت سارقان گرفته و با دستور ایست از آنها خواستم تسلیم شوند. اما آنها به ایست من توجهی نکرده و فرار کردند و من هم برای ترساندن آنها چند تیر هوایی شلیک کردم. اما سارقان متواری شده و گوشی تلفن همراهم را به سرقت بردند.

■ مرگ سارق جوان

سهیل ادامه داد: بعد از سرقت به